

رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی

محمد آشوری*

استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدعلی بهمنی قاجار

کارشناس ارشد حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۲/۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۳/۲۳)

چکیده:

"کمیته حقوق بشر" به عنوان مرجع ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از "حق آزادی و امنیت شخصی" که در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) به رسمیت شناخته شده و از جمله مهم‌ترین حقوق بشری به شمار می‌آید، حمایتی ویژه به عمل آورده است. بر اساس رویه کمیته حقوق بشر مستقر در ژنو، «حق آزادی و امنیت شخصی» فقط محدود به حق آزادی شخصی نبوده بلکه حق "امنیت شخصی" نیز از مفهومی نسبتاً مستقل برخوردار می‌باشد و این حق خارج از چارچوب "سلب آزادی جسمانی" نیز قابل بررسی است. علاوه بر این، نظر به اینکه حق آزادی و امنیت شخصی، از مصادیقی مانند حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام و نیز حق حضور فوری نزد مرجع قضایی برخوردار است، مورد توجه ویژه کمیته حقوق بشر قرار گرفته و کمیته در برخی از تصمیمات خود به دقت، خصوصیات حقوق یاد شده را تشریح کرده است. در این نوشتار، در راستای شناختی بهتر از حق آزادی و امنیت شخصی و ابعاد گوناگون آن رویه کمیته حقوق بشر در مورد حق آزادی و امنیت شخصی و قلمرو آن بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی:

کمیته حقوق بشر - کمیسیون اروپایی (سابق) حقوق بشر - دیوان اروپایی حقوق بشر - حق آزادی و امنیت شخصی - مفهومی مستقل از حق امنیت شخصی - تفهیم اتهام - دادستان - قرار بازداشت.

پیشگفتار

حق "آزادی و امنیت شخصی" یکی از مهم‌ترین حقوق بشری است که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights)، مصوب ۱۹۴۸، ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (International covenant on civil and political rights) (1966 و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر).

(convention for the protection of human rights and fundamental freedoms)
مصوب ۱۹۵۰ مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی بدین معنا است که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره‌مند گردد. در این چارچوب هر گونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و سلب آزادی نیز امری استثنایی است که تنها به وسیله مرجع صالح قضایی و مستند به آئین دادرسی و با رعایت موازینی که از احترام به فرض برائت و اصل آزاد بودن افراد ناشی می‌شود، امکان‌پذیر می‌گردد. همان‌گونه که گفته شد اهمّ مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در بندهای پنج‌گانه آن مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ماده ۹ میثاق، در وهله اول بر حق هر کس به بهره‌مندی از آزادی و امنیت شخصی تأکید شده و به دنبال این تأکید، بر ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی، حق متهم به آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام، حضور فوری متهم نزد مرجع قضایی، استثنایی بودن بازداشت متهم، حق فرد بازداشت شده به اعتراض به قرار بازداشتش و حق جبران خسارت هرکس که به طور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت گردیده، تصریح شده است. همه دولت‌هایی که بدون استفاده از حق تحفظ به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده‌اند، موظف به اجرای کلیه مفاد میثاق و از جمله ماده ۹ آن هستند. به منظور نظارت بر تعهدات دولت‌های عضو میثاق و نیز در راستای ترویج مفاد این سند بین‌المللی و بر اساس ماده ۲۸ آن، کمیته حقوق بشر، مستقر در ژنو، تشکیل شده است. این کمیته بر مبنای مواد ۴۵ تا ۴۰ میثاق مذکور، وظایفی از جمله مطالعه گزارش‌های دولت‌های عضو در مورد اجرای تعهداتشان، تدوین گزارش در مورد عملکرد دولت‌ها و نیز ارائه ملاحظاتی درباره مفاد میثاق را عهده‌دار است. افزون بر وظایف یاد شده، کمیته حقوق بشر، بر اساس ماده ۲ پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶) به شکایات فردی علیه دولت‌هایی که به این پروتکل ملحق شده‌اند، با در نظر گرفتن مقررات پروتکل یاد شده، رسیدگی می‌نماید. فعالیت‌های کمیته حقوق بشر صرف‌نظر از اینکه برای تحقق عملی مفاد میثاق و به بیانی دیگر در چارچوب نظارت بر اجراء و ترویج حقوق بشر تأثیرگذار است در توسعه مفاهیم حقوق بشری نیز سودمند بوده است. به عبارت دیگر، کمیته حقوق بشر در دیدگاه‌ها و نیز در تفاسیر کلی و گزارش‌های خود با

گسترده‌تری نسبت به منطوق میثاق، حقوق مندرج در این سند بین‌المللی را تشریح کرده است. از این رو برای فهم صحیح‌تر و کامل‌تر از مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بررسی اسناد کمیته حقوق بشر ضرورت دارد. چنین است که نظرات کمیته حقوق بشر در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی برای فهم بهتر و کامل‌تر مفاد ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی یاری رسان خواهد بود. علاوه بر این، استفاده از نظرات کمیته حقوق بشر در خصوص حق آزادی و امنیت شخصی می‌تواند در انطباق هر چه بیشتر موازین حقوق کیفری داخلی با قواعد حقوق بشری نیز تأثیرگذار باشد.

با توجه به مطالبی که بیان شد. در این نوشتار سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از نظرات کمیته حقوق بشر و نیز تفسیر کلی شماره ۸ آن و با نگاهی هر چند گذرا به رویه نهادهای استراسبورگ (کمیسیون سابق و دیوان اروپایی حقوق بشر)، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی در سه گفتار مورد بررسی قرار گیرد. ضمن اینکه در مواردی بر اساس ضرورت از حقوق داخلی کشورهای: کانادا، فرانسه و ایتالیا نیز در راستای نیل به شناختی بهتر از ابعاد حق آزادی و امنیت شخصی بهره گرفته شده است. این بهره‌گیری از آن‌رو بوده که زمینه‌هایی که منجر به ارائه نظرات کمیته حقوق بشر گردیده است نیز مورد بررسی قرار گیرند.

در اینجا هم‌چنین لازم به ذکر است که در نوشتار حاضر فرصت پرداختن به رویه کمیته حقوق بشر در خصوص همه مصادیق حق آزادی و امنیت شخصی وجود ندارد، از این رو فقط اهم مصادیق حق یاد شده که دیدگاه‌های کمیته حقوق بشر در مورد آنها اهمیت به سزایی دارند، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی، ویژگی‌های حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام و حق حضور فوری نزد قاضی یا مقام مجاز به اعمال اختیارات قضایی، مواردی هستند که در این نوشتار بررسی می‌گردند.

گفتار اول: مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی

الف - زمینه تاریخی

در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی و امنیت شخصی با بیانی کلی اشاره شده است. در این ماده تعریفی از حق آزادی و امنیت شخصی به عمل نیامده و به مصادیقی از این حق نیز اشاره نشده است (گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ص ۸). بنابراین تا پیش از تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ (امیراجمند، ۱۳۸۵، ص ۱۳) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ در تعریف حق آزادی و امنیت شخصی ابهاماتی وجود داشت. متعاقب تصویب دو سند یاد شده، رفته رفته به مصادیقی از حق آزادی و امنیت

شخصی اشاره شد. اما مصادیق مورد اشاره در تفسیر این دو سند فقط در پیوند با سلب آزادی جسمانی بودند و بدین ترتیب موضوع تهدید امنیت فردی در شرایطی که سلب آزادی جسمانی به عمل نیامده باشد هم در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و هم در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نادیده گرفته شد. تدوین کنندگان میثاق نیز به ضرورت تأمین امنیت فردی در شرایطی که سلب آزادی جسمانی به عمل نیامده باشد، توجهی نداشتند و از مذاکرات انجام شده در تدوین ماده ۹ میثاق چنین برمی‌آید که دست‌اندرکاران تنظیم متن میثاق، نخستین جمله ماده ۹ به این شرح: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد...» را تنها در چارچوب دستگیری و بازداشت افراد تلقی می‌کردند. با این همه، باید گفت تدوین کنندگان میثاق اصراری هم بر اینکه حق آزادی و امنیت شخصی بایستی تنها به مواردی در پیوند با سلب آزادی جسمانی محدود بماند، نداشتند و از این رو زمینه لازم برای توجه به تهدید امنیت فردی در شرایطی غیر از سلب آزادی جسمانی فراهم شد.

(Delgado paez V.Colombia, case No. 195/1985, para, 5.5)

در صفحات آینده پس از پرداختن به دیدگاه‌های نهادهای استراسبورگ و نیز اشاره‌ای به یکی از آراء دیوان عالی کانادا، رویه کمیته حقوق بشر در مورد شناسایی مفهومی مستقل از امنیت شخصی و حمایت از این مفهوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ب- برداشت کمیسیون (سابق) و دیوان اروپایی حقوق بشر

برای نهادهای استراسبورگ، از دهه ۱۹۷۰ فرصت تدقیق مفاهیم آزادی و امنیت شخصی، به شرح مندرج در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فراهم بوده است. معهذاً، از تصمیم کمیسیون (سابق) اروپایی حقوق بشر در قضیه «آجی»، Agee علیه بریتانیا (Agee v. United Kingdom Application 7050/75) و نیز اظهارنظر یکی از قضات دیوان اروپایی حقوق بشر به نام «جان میر» Jan Mayer مبنی بر اینکه «امنیت شخصی فقط به این معناست که هیچکس نباید واژه و ترسی از به مخاطره افتادن آزادی خود داشته باشد». چنین استنباط می‌شود که از دیدگاه کمیسیون مذکور «امنیت شخصی» مفهومی مستقل نیست و در معنای عادی آن باید حفظ سلامت جسمانی در مقابل هجمه‌های غیرقانونی را استنباط کرد. اما به نظر می‌رسد که دیوان اروپایی حقوق بشر در دهه ۱۹۹۰ به سوی برداشتی متفاوت گام برداشته است. از آن جمله، دیوان در دعوای اوجالان علیه ترکیه (Ocalan c/Turquie, 12 Mars 2003 n^o 6221/99) بازداشت فردی در خاک کشوری دیگر بدون اخذ رضایت قبلی دولت مربوط را نقض حق امنیت شخصی تلقی کرده است: «بازداشت یک فرد توسط مقامات یک دولت در خاک کشور دیگر و بدون جلب رضایت آن نقض حقوق فردی مربوط به امنیت، موضوع بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است»

(Stefan Trechse, p.409).

ج) دیوان عالی کانادا

در ارتباط با حقوق داخلی کشورها نیز باید متذکر شد که دیوان عالی کانادا در رأی که در سال ۱۹۸۸ صادر کرد، در چارچوب حق آزادی و امنیت شخصی به موارد تهدید امنیت فردی در غیر موارد سلب آزادی پرداخت و از جمله «سقط جنین» را حقی مربوط به امنیت فردی تلقی کرد و بر این اساس با آزاد دانستن «سقط جنین» ممنوعیت آن را نقض امنیت فردی قلمداد نمود. (Hogg, 2003, p. 981) رأی دیوان عالی کانادا نشانه‌ای از توجه این کشور به تهدید امنیت فردی، در غیر موارد سلب آزادی جسمانی بود و از زمینه‌ای مساعد برای تعریفی موسع‌تر از حق آزادی و امنیت شخصی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ حکایت می‌کرد.

د- کمیته حقوق بشر و شناسایی مفهومی مستقل از "امنیت شخصی"

کمیته حقوق بشر، در نظری که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۰ ارائه نمود، به تعریفی موسع از "حق آزادی و امنیت شخصی" پرداخت و مفهوم امنیت شخصی را مستقل از مفهوم متعارف سلب آزادی (Outside the context of formal deprivation of liberty) مورد شناسایی قرار داد. این مفهوم هم در شرایطی که فقط امنیت فردی خارج از سلب آزادی جسمانی مورد تهدید قرار گرفته باشد به کار می‌آید و هم می‌تواند در مواردی که همراه با سلب آزادی جسمانی، فرد مورد تهدیدات امنیتی فراتر از آن نیز قرار گرفته باشد، استفاده شود.

کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۹۰، با اظهار نظر در قضیه «ویلیام ادواردو دلگادو پز» (William Eduardo Delgado paez) علیه کلمبیا به تعریفی فراگیر از حق آزادی و امنیت شخصی می‌پردازد (Delgado paez V.Colombia, case No.195/1985,para, 55): آقای «دلگادو پز» یک معلم کلمبیایی بود که به عنوان «نایب رئیس» اتحادیه معلمان نیز انتخاب می‌شود. و متعاقب بر پرونده سازی‌هایی از سوی مأموران امنیتی و مقامات وزارت آموزش و پرورش از آن وزارت خانه اخراج می‌گردد. «دلگادوپز» چندین بار از تصمیم به اخراج خود شکایت می‌کند ولی به شکایت‌های او نه تنها ترتیب اثری داده نمی‌شود بلکه تهدید به مرگ نیز می‌شود. سرانجام وی از طرف افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفته و یکی از همکاران سابقش، با هدف ارباب هر چه بیشتر آقای «دلگادوپز»، کشته می‌شود. چنین وضعیتی، این معلم سابق کلمبیایی را نه فقط مجبور به تحمل اخراج غیر قانونی بلکه و فراتر از آن وادار به فرار از کشورش و پناهندگی سیاسی به کشور فرانسه می‌کند. دلگادوپز از دولت کلمبیا، عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به دلیل نقض حقوق خود بر اساس مواد ۱۴، ۱۸، ۱۹،

۲۵ و ۲۶ میثاق به کمیته حقوق بشر شکایت می‌کند. (Ibid, Para.3.1) با آنکه در این قضیه شکایت مستقلی به استناد ماده ۹ میثاق و نقض حق آزادی و امنیت شخصی مطرح نشده بود ولی کمیته حقوق بشر در بررسی شکایت مطروحه نقض ماده ۹ را نیز مورد ارزیابی ویژه قرار می‌دهد: کمیته با توجه به اینکه در متن ماده ۹ میثاق و نیز در مذاکرات مربوط به تدوین این ماده، دلیلی دال بر اینکه حق آزادی و امنیت شخصی بایستی فقط به موارد خاص سلب آزادی محدود بماند، وجود نداشته است موضوع نقض امنیت فردی آقای دلگادوپز را علی‌رغم این که آزادی جسمانی وی سلب نشده بود مورد بررسی قرار می‌دهد. (Ibid Para.5.5) کمیته در بررسی این دعوا علیه کلمبیا، تأکید می‌نماید که حق آزادی و امنیت شخصی مفهومی فراتر از مصادیق سلب آزادی دارد. از این رو، هنگامی که امنیت فردی در مواقعی غیر از سلب آزادی تهدید گردد، دولت متبوع این فرد، هر چند بازداشتی نیز صورت نگرفته باشد، مکلف به انجام اقدامات لازم برای متوقف ساختن چنین تهدیداتی است. بدین ترتیب، کمیته حقوق بشر، مفهوم گسترده تری از حق آزادی و امنیت شخصی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. (Ibid) بر اساس نظراتی که کمیته حقوق بشر در مورد مفهومی مستقل از امنیت شخصی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ صادر کرده است. این مفهوم از دو جنبه به شرح زیر قابل بررسی است.

۱- سلب امنیت شخصی خارج از موارد بازداشت

همان‌گونه که ملاحظه شد، کمیته حقوق بشر در نظرات متعدد خود و با تأکید بر مفهوم گسترده تر حق آزادی و امنیت شخصی، نقض بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در شرایطی که سلب آزادی جسمانی نیز به عمل نیامده است احراز کرده و به دلیل تهدید امنیت فردی، حق آزادی و امنیت شخصی را نقض شده تلقی کرده است. یکی از این نظرات در قضیه دعوای دلگادوپز علیه کلمبیا صادر شده است که به اختصار به آن اشاره شد. در دعوای مشابه دیگر، از جمله در دعوای «کارلوس دیاز» (Carlos Dias) علیه آنگولا (Dias V. Angola, case No.711/1996, para 2.9) و یا در دعوای «رودگرچنگو» (Rodger Chongwe) علیه زامبیا (Chongwe V. Zambia, case No. 821/1998, para, 2.1) نیز کمیته حقوق بشر در شرایطی تقریباً همانند وضعیت دعوای «دلگادوپز» و با اشاره به مفهوم گسترده تر حق آزادی و امنیت شخصی، نقض بند ۱ ماده ۹ میثاق را به دلیل تهدید امنیت فردی، با وجود اینکه سلب آزادی جسمانی صورت نگرفته بود، احراز کرده است.

۲- تهدید امنیت شخصی بازداشت شدگان

کمیته حقوق بشر در پاره‌ای موارد، علاوه بر بررسی موضوع سلب آزادی جسمانی و رعایت قواعد حق آزادی شخصی، به طور مستقل، به بررسی سایر تهدیدات متوجه امنیت فردی بازداشت شده نیز پرداخته است. در این موارد شرایط بازداشتگاه به گونه‌ای بوده که فرد محبوس مورد تهدید امنیتی فراتر از سلب آزادی نیز قرار گرفته است. بدین معنا که بازداشت شده‌ای که به طور طبیعی آزادی اش به مخاطره افتاده است به دلیل شرایط ویژه‌ای که بازداشتگاه او داشته و یا رفتار خاصی که با او صورت گرفته، امنیت فردی اش بیشتر از افرادی که بازداشت آنها در شرایطی عادی بوده، مورد تهدید واقع شده است. از جمله می‌توان به نظری که کمیته در ۵ سپتامبر ۲۰۰۶ در مورد شکایت ساندرآ آرچیچی (Sundara Arachechige) علیه سریلانکا ارایه نموده است اشاره کرد: در این قضیه، علاوه بر این که کمیته به مواردی در پیوند با نقض حق آزادی و امنیت شخصی در مفهوم متعارف آن می‌پردازد، موضوع نقض حق امنیت شخصی در مفهوم مستقل آن را نیز بررسی می‌کند. کمیته اظهار می‌دارد: با توجه به اینکه، شاکی در طول دوران دستگیری اش مورد سوء رفتار مأموران پلیس قرار گرفته است و نیز این مأموران از شاکی در طول دوران دستگیری اش در برابر تهدیدات امنیتی که متوجه وی بود، حمایتی نکرده‌اند نقض حق امنیت شخصی در مفهوم مستقل آن در مورد شاکی محرز کرده است. (Arachchige Lalith RaJapakse V.Srilanka, case No.1250/2004, para 9.7) در نظری دیگر که کمیته حقوق بشر در تاریخ ۱۴ مه ۲۰۰۷ در مورد دعوای فیلیپ آفسون نجر و

(Philiph Afuson Njaru)

علیه کامرون صادر کرده است، نقض حق امنیت شخصی در مفهوم مستقل آن به دلیل تهدید به مرگ و تهدید به شکنجه آفسون نجر و در دوران بازداشتش احراز شده و کمیته از این رو بر نقض بند ۱ ماده ۹ نظر داده است (Afuson nJaru V.Cameroon, case No.1353/2005, para 6.3) با توجه به بررسی‌ای که از نظرات کمیته حقوق بشر به عمل آمد، می‌توان گفت که مفهوم مستقل "حق امنیت شخصی" دارای مصادیقی هم چون جلوگیری از تهدید امنیت افراد به وسیله مأموران دولتی و یا تعهد دولت به انجام اقدامات مقتضی برای حفظ امنیت افراد بویژه در ارتباط با شرایط بازداشتگاه‌ها است. ضمن اینکه اگر به نظرات کمیته حقوق بشر، رویه قضایی برخی کشورهای غربی همانند کانادا نیز افزوده شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که مفهوم مستقل حق امنیت شخصی مصادیقی مانند حق فرد بر سلطه و کنترل جسمانی خود را نیز دربرمی‌گیرد (Dickson, 1999, p.148)

گفتار دوم: ویژگی‌های حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام

بر اساس بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر کس دستگیر شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علت) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه‌ای دایر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، دریافت دارد.

حق آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام، ویژگی‌هایی دارد که کمیته حقوق بشر به تفصیل به آنها پرداخته است. در این گفتار با بهره‌گیری از نظرات کمیته حقوق بشر، ویژگی‌های حق یاد شده، یعنی سرعت در تفهیم اتهام و تفهیم دقیق و کامل اتهام، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- تسریع در تفهیم اتهام

کمیته حقوق بشر در نظرات خود بر اینکه ضرورت دارد تا آگاهی از دلیل دستگیری به سرعت به عمل آید، تأکید کرده است. از جمله در نظری که کمیته در مورد شکایت بحرالدين کوربونف (Bakhrudin Kurbonov) علیه تاجیکستان در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ اظهار کرده، تصریح شده است که تعلل در تفهیم اتهام به متهمی که ۲۱ روز در بازداشت به سر برده و سپس آزاد گردیده، نقض بند ۲ ماده ۹ میثاق به شمار می‌آید

(Bakhrudin Kurbonov v. Tajikistan, case No. 1208/2003, para 6.5)

بدیهی است آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام باید در اسرع وقت پس از دستگیری به عمل آید و اصولاً هیچ‌گونه تأخیری در این آگاهی رسانی روا نیست. به عبارت دیگر، مقامی که به دستگیری مبادرت می‌ورزد، باید در همان لحظه دستگیری یا حداکثر به محض اینکه امکانش فراهم گردد، شخص دستگیر شده را از دلایل دستگیری‌اش آگاه سازد (آشوری، ۱۳۸۳، ص ۳۰۸).

ب- تفهیم دقیق و کامل اتهام

کمیته حقوق بشر در نظرات و گزارش‌های خود به تفصیل به ویژگی‌های لازم برای تفهیم دقیق و کامل اتهام پرداخته است. کمیته در این راستا در دو نظری که در مورد شکایت آدولفو دریچرکالداس (Adolfo Drescher Caldas) علیه اروگوئه در ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۳.

(Drescher v. Uruguay, case No. 43/1979, para, 13.2) و شکایت ویلی ونگا آیلمبی و نسی لندوا

شاندا (Willy wenga Ilombe and Nsil Luanda shanda) علیه جمهوری دموکراتیک کنگو در ۱۷ مارس ۲۰۰۶ ارایه کرده.

(Ilombe and Luanda Shanda v. the Democratic Republic of Congo, case No. 1177/2003, para, 6.2)

و هم چنین در گزارشی که در سال ۱۹۹۷ در مورد سودان تدوین کرده،
(concluding observation of the Human Rights committee's, 1997, Para 13)
دو ضابطه را برای تفهیم دقیق و کامل اتهام مشخص ساخته است. این دو ضابطه عبارتند از:
۱- فرد دستگیر شده باید از مقرر قانونی که متهم به نقض آن شده و ماهیت شکایتی که
متوجه وی است به طور دقیق آگاه گردد. بدین معنا که از این موضوع مطلع گردد که
دستگیری وی به استناد کدام مقرر قانونی صورت گرفته و ماده، تبصره یا بند قانونی که وی
متهم به نقض آن شده چیست (Drescher v. Uruguay, op.cit, para 13.2). بر این اساس، اینکه به
دستگیر شده گفته شود وی متهم به ارتکاب یکی از عناوین کلی مجرمانه همچون: اقدام علیه
امنیت است، کفایت نمی‌کند.

(Ilombe and Lunda Shanda v. the Democratic Republic of Congo, op.cit, para 6.2)
۲- ماده قانونی که فرد دستگیر شده به اتهام نقض آن دستگیر شده است و به استناد همان
ماده به وی تفهیم اتهام صورت گرفته بایستی در برگیرنده تعریفی مشخص و روشن از عمل
مجرمانه باشد (concluding observation of the Human Rights committee's, 1997, para 13).
بر این مبنا و برای نمونه در ایران هرگاه به کسی به اتهام ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۳۸
قانون مجازات اسلامی تفهیم اتهام گردد چنین تفهیم اتهامی مغایر با موازین مورد نظر کمیته
حقوق بشر است. زیرا در ماده یاد شده عملی با عنوان فعل حرام جرم دانسته شده و تعریف
مشخص و روشنی از این عمل صورت نگرفته است (گلدوزیان، ۱۳۸۴، صص ۳۵۱-۳۴۹).

گفتار سوم: حق حضور فوری نزد قاضی یا مقام مجاز به اعمال اختیارات

قضایی

بر اساس آنچه که در صدر بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است،
هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شود باید او را در اسرع وقت در محضر
قاضی یا مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضر نمود.
از آنچه که بیان شد دو نکته بدست می‌آید، نکته اول اینکه سلب آزادی از متهمان به وسیله
ضابطان دادگستری و یا سایر مقامات غیر قضایی بایستی تنها برای مدتی بسیار کوتاه بوده و
متهم پس از دستگیری باید در اسرع وقت در برابر مقام قضایی حاضر گردد. نکته دوم اینکه
مرجعی که برای تصمیم‌گیری در مورد آزادی یا بازداشت متهم صلاحیت دارد باید مقامی
قضایی یا مقامی مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد. بدین معنا که چنین مرجعی باید از
استقلال، بی‌طرفی و صلاحیت لازم برای مقام قضایی برخوردار باشد.

نکته قابل توجه این که مقام مجاز به اعمال اختیارات قضایی الزاماً و همیشه ناظر به قضات نیست.

دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه شی سر «Schisser» علیه سویس چندین ضابطه را مدنظر قرار داده است:

۱- قاضی یا هر مقام مجاز دیگری باید از استقلال و بی طرفی نسبت به اصحاب دعوا و نیز قوه مجریه برخوردار باشد؛

۲- قضات و مقامات مذکور باید شخصاً امکان استماع فردی را که نزد او آورده شده داشته باشند؛

۳- و سرانجام این که این قضات و مقامات باید از اختیارات لازم جهت بررسی دلایلی که می تواند به بازداشت متهم منجر شود برخوردار باشند و در صورت فقد دلایل موجه دستور آزادی متهم یا مظنون را صادر کنند.

با عنایت به مطالب فوق و با توجه به این که در کانتون برن، در کشور سویس، دادستانها مستقیماً از سوی مردم انتخاب می شوند و از استقلال و بی طرفی لازم بویژه نسبت به قوه مجریه برخوردارند لذا، دیوان اروپایی حقوق بشر اتخاذ تصمیم مبنی بر بازداشت متهم از سوی چنین دادستانی را مغایر با بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندانسته است.

(CEDH, 4 déc 1979 aff.Schisser c/ Suisse, serie A n° 34.)

با توجه به آنچه بیان شد، اکنون این موضوع بررسی می گردد که منظور از حاضر کردن دستگیر شده در اسرع وقت چیست و به بیانی دیگر ضابطان دادگستری حداکثر تا چه زمانی می توانند متهم را «تحت نظر» (garde à vue) قرار دهند. در وهله دوم نیز به این مسئله پرداخته می شود که چه مقامی می تواند در مورد بازداشت یا آزادی متهم تصمیم بگیرد.

الف - طول مدت تحت نظر

در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مدت مشخصی برای حضور فوری متهم دستگیر شده در نزد مرجع قضایی تعیین نشده است. اما کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی شماره ۸ خود و نیز در نظرات گوناگون، موضوع حداکثر مدتی که باید متهم دستگیر شده در برابر مرجع قضایی حاضر گردد و یا به عبارتی حداکثر مدت تحت نظر را مورد بررسی قرار داده است.

کمیته حقوق بشر در " تفسیر کلی " شماره ۸ خود که در سال ۱۹۸۲ صادر کرده است، بدون اینکه به زمان معینی اشاره نماید تأکید می کند که حداکثر فاصله از زمان دستگیری تا حضور در برابر مرجع قضایی، نباید از چند روز تجاوز نماید

(committee's general comment. No.8,Para 2)

اما در "نظرات" کمیته حقوق بشر، توضیحات بیشتری دربارهٔ حداکثر مهلت ممکن برای حاضر ساختن متهم دستگیر شده در برابر مرجع قضایی ارائه شده است. از جمله در نظری که کمیته در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۲ در مورد شکایت خانم ماریتا ترن جیجون (Marieta teran Jijon) علیه اکوادور ارایه کرده است. دستگیری خانم جیجون برای پنج روز بدون حضور در مرجع قضایی به عنوان نقض بند ۳ ماده ۹ میثاق دانسته شده است. (Teran JiJon V.Ecuador, case No.277 /1988,para 3.5) در نظری دیگر، کمیته حداکثر مهلت برای حاضر شدن در مقابل مرجع قضایی را تا هفتاد و دو ساعت و در یک نظر نیز این مهلت را تا حداکثر ۴۸ ساعت دانسته است (Joseph, 2000, PP 222.223).

ب- مرجع صالح تصمیم گیرنده دربارهٔ آزادی یا بازداشت متهم دستگیر شده

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، متهمی که به وسیله ضابطان دادگستری، دستگیر گردیده و تحت نظر قرار گرفته، باید در اسرع وقت در برابر قاضی یا مقامی که مجاز به اعمال اختیارات قضایی است، حاضر گردد. قاضی یا مقامی که مجاز به اعمال اختیارات قضایی است باید در مورد وضعیت متهمی که به وسیله ضابطان دادگستری، دستگیر گردیده و تحت نظر قرار گرفته، تصمیم‌گیری نموده و وی را آزاد کرده یا قرار تأمینی و حتی قرار بازداشت موقت را درباره او صادر نماید (اردبیلی، ۱۳۸۳، صص ۲۰۴-۲۰۳). مقام قضایی که در مورد آزادی یا بازداشت متهم تصمیم‌گیری می‌کند باید از ویژگی‌هایی هم چون: استقلال، بی‌طرفی و صلاحیت برخوردار باشد. با این وجود، در بسیاری از کشورها دادستان و یا بازپرس که فاقد استقلال و بی‌طرفی لازم هستند (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۳۴۲). در مورد آزادی یا بازداشت متهم تصمیم‌گیری می‌نمایند. این موضوع با سیاست کیفری نوین و با اصول استقلال و بی‌طرفی قضایی در تضاد بوده و همین امر موجب سلب حق بازداشت متهم از دادسرا و به ویژه دادستان و پدیدار شدن مراجع نوین صاحب صلاحیت (قاضی آزادی‌ها و بازداشت در فرانسه و قاضی تحقیقات ابتدایی در ایتالیا) برای صدور قرار بازداشت شده است. (همان) در این بند در دو قسمت انتقادات ناظر بر حق بازداشت متهم به وسیله دادسرا (دادستان و بازپرس) و نیز موضوع ایجاد مراجع نوین برای صدور قرار بازداشت بررسی می‌گردد.

۱- انتقادات ناظر بر بازداشت متهم به وسیله دادسرا

دادسرا مرجعی است که عهده‌دار تعقیب متهم است. چنین مرجعی در حقیقت طرف دعوا به شمار آمده و بی‌طرفی لازم را که شایسته مرجع صلاحیت‌دار برای صدور قرار بازداشت است را ندارد. از طرفی دیگر دادسرا در بسیاری از کشورها، فاقد استقلال لازم در برابر قوه مجریه

بوده و بنابراین مرجعی غیر بی‌طرف و غیر مستقل به شمار می‌آید که صلاحیت آن برای صدور قرار بازداشت مردود تلقی شده است. افزون بر مواردی که بیان شد، در سیاست نوین کیفری اصلی به نام «تساوی سلاح‌ها» «Equality of arms - L' égalité des armes» نیز پدیدار گردیده است. بر اساس این اصل، باید دادستان به عنوان طرف دعوا با متهم که طرف دیگر دعوا است از حقوق نسبتاً یکسانی برخوردار باشد علیهذا، کمیسیون و سپس دیوان اروپایی حقوق بشر در تصمیمات و آرای متعدد خود بر ضرورت رعایت تساوی سلاح‌ها تأکید داشته‌اند: «حق برخورداری از دادرسی منصفانه ایجاب می‌کند که هر یک از اصحاب دعوا امکان معقول طرح و ارایه دعوی خود را در دادگاه در شرایطی داشته باشد که او را نسبت به طرف مقابل خود، به گونه‌ای محسوس، در وضعیت نامساعدتری (نابرابری) قرار ندهد» (CEDH, 26 oct 1993, Domba Beheer.BV, C/pays Bas, serie A, no 274).

با این همه، باید توجه کرد که تساوی سلاح‌ها نباید به معنای برخورداری شاکی یا متهم از همه امکانات دادستان (از قبیل استفاده از ضابطان دادگستری و غیره) تلقی و تعبیر شود، به عبارت دیگر، ضرورت رعایت برابری بین طرفین دعوا به معنای برابری در استفاده از همه وسایل، منابع و امکانات نیست. اما بدیهی است که اعطای حق بازداشت متهم به دادستان‌ها یا دادیاران در ناسازگاری آشکار با اصل تساوی سلاح‌ها قرار داشته و پذیرفته نیست (آشوری، پیشین، ص ۳۴۲).

هم اکنون به صلاحیت دادسرا (اعم از دادستان، دادیار یا بازپرس) برای صدور قرار بازداشت انتقادات زیادی وارد است. کمیته حقوق بشر نیز به انتقاد از اختیار دادسرا در بازداشت متهم پرداخته و در نظرات گوناگون، اختیار دادسرا برای بازداشت متهم را مغایر با بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانسته است:

کمیته حقوق بشر برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ بر عدم صلاحیت دادسرا برای صدور قرار بازداشت تأکید می‌کند. کمیته در این سال در نظری که در ۲۲ مارس در مورد دعوی ولادیمیر کولومین (Vladimir Kulomin) علیه مجارستان ارایه می‌نماید، نقض بند ۳ ماده ۹ میثاق را به دلیل تأیید قرار بازداشت آقای کولومین به وسیله دادستان احراز می‌کند

(Kulomin V. Hungary, case No.541/1992, para 11.3). بر این اساس، مقام قضایی مندرج

در بند ۳ ماده ۹ که صلاحیت بازداشت متهمان را دارد، بایستی مقامی مستقل، غیر وابسته و بی‌طرف باشد اما دادستان که بازداشت آقای کولومین را تأیید کرده است واجد چنین شرایطی نبوده است. بنابراین، کمیته حقوق بشر با توجه به استدلال مذکور، به نقض بند ۳ ماده ۹ در مورد بازداشت کولومین اظهار عقیده می‌نماید. (Ibid) کمیته حقوق بشر در نظری دیگر که به تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۰۵ در باره شکایت آندره پلاتونوف (Andrei Platonov) علیه روسیه اعلام می‌کند بر نقض حق آزادی و امنیت شخصی آقای پلاتونوف تأکید کرده و بر ناهماهنگی

شرایط ناظر بر بازداشت پلاتونوف با مقررات مندرج در بند ۳ ماده ۹ میثاق تصریح می‌ورزد. در این پرونده، پلاتونوف با دستور مرجع تحقیق در ۲۲ فوریه ۱۹۹۹ بازداشت شده و متعاقباً این بازداشت توسط دادستان تأیید می‌گردد. در چنین شرایطی، کمیته نظر می‌دهد که بر اساس بند ۳ ماده ۹ میثاق، هر کس به اتهام جرمی بازداشت گردد باید در برابر قاضی یا مقامی که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی باشد، حاضر گردد. از دیدگاه کمیته، ماهیت مقام دارای اختیارات قضایی به گونه‌ای است که این مقام باید مستقل، غیر وابسته و بی طرف در ارتباط با موضوع پرونده باشد. کمیته بر اساس این استدلال نتیجه‌گیری می‌کند که دادستان تأیید کننده قرار بازداشت آقای پلاتونوف را نمی‌توان غیر وابسته و بی طرف دانست و این در حالی است که مقام مجاز به اعمال اختیارات قضایی که در بند ۳ ماده ۹ میثاق پیش‌بینی شده است باید دارای چنین ویژگی‌هایی باشد. بنابراین، کمیته بند ۳ ماده ۹ میثاق را نقض شده تلقی می‌نماید (Plantono V. Russian Federation, case No. 1218/2003, Para 7.2). به عبارت دیگر، از دیدگاه کمیته حقوق بشر، باید مقامی قضایی با ویژگی‌هایی که فوقاً به آن اشاره شد، در صدور یا تأیید قرار بازداشت نقش داشته باشد.

کمیته حقوق بشر در نظرات دیگری نیز به صراحت دخالت دادستان در تأیید قرار بازداشت را مغایر با بند ۳ ماده ۹ میثاق می‌داند. از جمله در نظری که کمیته به تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۶، در مورد شکایت یوری باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) علیه بیلوروسی صادر می‌کند. تصریح می‌شود که دادستان را نمی‌توان مقامی غیروابسته و بی طرف دانست و این مقام، واجد شرایط «مقام صلاحیتدار قضایی» مندرج در بند ۳ ماده ۹ تلقی نمی‌گردد.

ارتباط در ۲۰ مارس ۲۰۰۷، کمیته حقوق بشر در مورد شکایت روزیک آشورف (Rozik Ashurov) به نمایندگی از پسرش علیه تاجیکستان اعلام کرده است. کمیته بار دیگر بر عدم صلاحیت دادستان برای ایفای نقش مقام دارای اختیارات قضایی مندرج در بند ۳ ماده ۹ میثاق تأکید کرده است (Ashurov V. Tajikistan, case No. 1348/2005, Para 6.5).

در مجموع، می‌توان گفت که با الهام از رویه کمیته حقوق بشر، نمی‌توان مقامات دادسرا را دارای استقلال و بی طرفی لازم برای صدور قرار بازداشت دانست. بازپرس مقامی است که در بسیاری از کشورها تا حدودی زیر نظر دادستان قرار دارد از این رو کم و بیش مقامی «غیر مستقل» به شمار می‌آید. هم‌چنین بازپرس را در عمل نمی‌توان مرجعی «غیر بی طرف» محسوب داشت زیرا، از آنجا که وی از استقلال کامل برخوردار نیست، به طور طبیعی از منافع یکی از طرفین دعوا یعنی دادستان تأثیرپذیر است. با توجه به مواردی که بیان شد و مستند به رویه کمیته حقوق بشر، باید گفت که مقامات دادسرا (اعم از: دادستان و بازپرس) فاقد شرایط

مقام صلاحیت‌دار قضایی مندرج در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای صدور قرار بازداشت متهم و یا تمدید آن هستند.

۲- ایجاد مراجع نوین برای صدور قرار بازداشت

کمیته حقوق بشر با تصریح بر ضرورت سلب اختیار بازداشت متهم توسط دادستان، بر لزوم دخالت مرجعی قضایی که از ویژگی‌های استقلال و بی‌طرفی برخوردار باشد در صدور قرار بازداشت تأکید کرده است. نمونه‌ای از مرجعی که با موازین مورد نظر کمیته حقوق بشر هماهنگی دارد، «قاضی آزادی‌ها و بازداشت» در حقوق کیفری فرانسه است. در این کشور بر اساس اصلاحاتی که در قانون آئین دادرسی کیفری در سال‌های ۲۰۰۰ و ۱۹۹۳ انجام گردیده، اختیار بازداشت متهم از بازپرس (قاضی تحقیق) سلب و به مقامی کاملاً مستقل و بی‌طرف یعنی «قاضی آزادی‌ها و بازداشت» اعطاء شده است. این مرجع قضایی در صورت درخواست بازپرس (قاضی تحقیق) مبنی بر بازداشت متهم، جلسه‌ای برای بررسی بازداشت یا آزادی متهم تشکیل می‌دهد. در این جلسه که به صورت توافقی و غیر علنی برگزار می‌شود، قاضی آزادی‌ها و بازداشت، دیدگاه‌های دادستان، متهم و وکیل مدافع وی و در صورت ضرورت نظرات قاضی تحقیق را استماع کرده و سپس نسبت به آزادی یا ضرورت بازداشت موقت متهم (ماده ۱-۱۳۷ ق ا د ک ف) و یا استفاده از جانشین‌های بازداشت در مورد وی تصمیم‌گیری می‌نماید. (آشوری، ۱۳۸۵، صص ۱۹۸ و ۱۹۷).

با اصلاحاتی که در نظام دادرسی کیفری فرانسه صورت گرفته است در وهله اول دادستان نقش واقعی طرف دعوا با حقوقی تا حدودی برابر با متهم و شاکی را پیدا کرده است. در وهله بعدی نیز تصمیم‌گیری در مورد آزادی یا بازداشت متهم بر عهده مرجعی مستقل و بی‌طرف نهاده شده است. مرجعی که با دیدگاه‌های کمیته حقوق بشر در مورد ویژگی‌های مقام قضایی صلاحیت‌دار پیش‌بینی شده در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که پیشتر به آنها اشاره شد، هماهنگ است.

سرانجام می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا مصوب ۱۹۸۸ اشاره کرد که با هدف توافقی کردن هر چه بیشتر دادرسی اقدام به الغای بازپرس از سازمان قضایی این کشور نموده است. بدین ترتیب قاضی‌ای مستقل از دادسرا عهده‌دار صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی در مورد بسیاری از جرایم، از جمله جرایم کلان، گردیده و از اختیارات فراوانی برخوردار است. در این کشور نیز جز در جرایم مشهود و برخی جرایم دیگر این قاضی بیطرف که از او به «قاضی تحقیقات ابتدایی» تعبیر می‌شود نسبت به بازداشت موقت متهم (که از سوی دادستان پیشنهاد می‌شود) و نیز استمرار و تمدید آن اتخاذ تصمیم می‌کند (آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۸۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به نظرات گوناگون کمیته حقوق بشر و نیز تفسیر کلی شماره ۸ این کمیته می‌توان به موارد ذیل به عنوان مهم‌ترین نکاتی که از رویه کمیته در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی بدست می‌آید، اشاره کرد:

۱- بر اساس نظرات کمیته حقوق بشر حق امنیت شخصی جدای از مفهوم متعارف آن که در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به آن اشاره گردیده و در چارچوب سلب آزادی جسمانی قابل بررسی است، از مفهومی مستقل برخوردار است. بدین معنا که حق برخورداری از امنیت فردی را فارغ از سلب آزادی جسمانی باید مد نظر قرار داد. بر این اساس گاه ممکن است اصولاً سلب آزادی جسمانی به عمل نیاید ولی امنیت فردی، کسی که بازداشت یا دستگیر نگردیده دچار تهدید شود، در چنین شرایطی حق آزادی و امنیت شخصی در مفهوم متعارف آن نقض شده است. هم چنین امکان دارد که سلب آزادی جسمانی نیز به عمل آمده باشد و افزون بر این، رفتار خاصی با بازداشت شده صورت گرفته باشد که وی فراتر از موضوع سلب آزادی‌اش دچار تهدیدی امنیتی گردد، برای نمونه بازداشت شده‌ای تهدید به مرگ یا تهدید به شکنجه شود، در چنین شرایطی نیز نقض حق امنیت شخصی در مفهوم مستقل آن محرز است.

۲- آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام بایستی به سرعت انجام شود و متهم یا مظنون بدون درنگ و یا در اولین فرصت ممکن از دلایل دستگیری و نوع اتهام خود مطلع گردد.

۳- تفهیم اتهام به متهم دستگیر شده باید دقیق و کامل باشد و آن بدین معنا است که فرد دستگیر شده باید از مقرر قانونی‌ای که متهم به نقض آن شده و ماهیت شکایتی که متوجه وی است به طور دقیق آگاه گردد و بداند که ماده، تبصره یا بند قانونی که او متهم به نقض آن شده کدام است. هم‌چنین ضرورت دارد که ماده قانونی که فرد به اتهام نقض آن دستگیر شده و نقض آن نیز به عنوان اتهام به وی تفهیم گردیده است، در برگرفته تعریفی مشخص و روشن از عمل مجرمانه باشد.

۴- هر متهم دستگیر شده باید در برابر مرجع قضایی حاضر گردد و تحت نظر گرفتن متهمان به وسیله ضابطان دادگستری حداکثر تا ۴۸ ساعت تجویز شده است.

۵- صدور و تأیید قرار بازداشت به وسیله مقامات داسرا (اعم از دادستان و بازپرس) مغایر با مقررات میثاق است و ضرورت دارد تا مرجعی قضایی که از ویژگی‌های استقلال و بی‌طرفی برخوردار است در صدور یا تأیید قرار بازداشت نقش داشته باشد. همان‌گونه که ملاحظه شد کمیته حقوق بشر در نظرات گوناگون خود تصریح کرده است که دادستان را

نمی‌توان مقام قضایی صلاحیت‌دار مندرج در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و به بیانی دیگر مرجع صالح برای صدور یا تأیید قرار بازداشت دانست.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

۱. آشوری، محمد (۱۳۷۶)، عدالت کیفری، تهران، گنج دانش.
۲. آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. آشوری، محمد (۱۳۸۵)، آئین دادرسی کیفری، ج ۲، ج ۷، تهران، سمت.
۴. آشوری، محمد (۱۳۸۶)، تأملاتی در حقوق تطبیقی، به قلم گروهی از مؤلفان، به مناسبت برگزاری نكوداشت دکتر سیدحسین صفایی، ج ۲، تهران، سمت.
۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۴)، نگهداری تحت نظر «علوم جنایی»، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران، سمت.
۶. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۸۵)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر «اسناد منطقه‌ای»، ج ۲، تهران، سمت.
۷. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، محشای قانون مجازات اسلامی، ج ۵، تهران، مجد.
۸. مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۲)، گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب - خارجی

۱- کتابها

- 1- Code de procédure pénale, (2008) Dalloz Paris.
- 2- Dickson. Brice(1999). **Human Rights in the 21 st century**. Belfast. Queen's University.
- 3- Hogg. Peter (2003). **Constitutional Law of Canada**. Toronto. carswell Legal pubns.
- 4- Jean-Loup Charrier, **Code de la Convention européenne des droits de l'homme** (2005), Litec, Paris.
- 5- Joseph. Sarah (2000). **The International Covenant on civil and Political Rights "Cases. Material. and commentary"**, Oxford, Oxford University Press.
- 6- Serge Guinchard, Jacques Buisson, **procédure pénale** (2005) 3e édition Litec, Paris.
- 7- Stefan Trechel (2005) **Human Rights in criminal Proceedings** Oxford, Oxford University Press.

۲- اسناد

۲-۱- نظرات کمیته حقوق بشر (committee's views)

- 1-Case No. 43/1979, Drescher v. uruguay, adopted on 21 July 1983, document CCPR/C/19/D/43/1979

- 2- Case No. 195/1985, Delgado paez v. Colombia, adopted on 12 July 1990, document CCPR/C/39/D/ 195/1985
- 3- Case No. 277/1988, Marieta Teran Jijon v. Ecuador, adopted on 26 March 1992, document CCPR/C/44/D/ 277/1988
- 4- Case No. 541/1992, Vladmir Kulomin v. Hungary, adopted on 22 March 1996, document CCPR/C/44/D/ 541/ 1992
- 5- Case No. 711/1996, Carlos Dias v. Angola, adopted on 20 March 2000, document CCPR/C/86/D/ 711/1996
- 6- Case No. 821/1998, Rodger chongwe v. Zambia, adopted on 25 October 2000, document CCPR/C/70/D/ 821/1998
- 7- Case No. 1100/2002, Yuri Bandajevsky v. Belarus, adopted on 28 March 2006, document CCPR/C/86/D/ 1100/2002
- 8- Case No. 1177/2003, willy wenga Ilombe and Nsil Luanda shandwe v. the Democratic Republic of Congo, document CCPR/C/86/D/ 1177/2003
- 9- Case No. 1208/2003, Bakhridin Kurbonov v. Tajikistan, adopted on 16 March 2006, document CCPR/C/86/D/ 1208/2003
- 10- Case No. 1218/ 2003, Andrei plantonov v. Russian federation, adopted on 1 November 2005, document CCPR/C/85/D/ 1218/2003
- 11- Case No. 1250/2004, sundara Arachchige Lalith Rajapakse v. Srilanka, adopted on 14 July 2006, document CCPR/C/87/D/ 1250/2004
- 12- Case No. 1348/ 2005, Rozik Ashurov v. Tajikistan, adopted on 20 March 2007, document CCPR/C/89/D/ 1348/ 2005
- 13- Case No. 1353/2005, Philip Afuson njaru v. cameroon, adopted on 19 March 2007, document CCPR/C/89/D/ 1353/ 2005

۲-۲- سایر اسناد

- 1- Human Rights committee, general comment no. 8: right to Liberty and security of person (art.9): 30/ 6/82
- 2- Human Right committee, concluding observation of the Human Rights committee; Sudan, CCPR/C/79/ Add. 85, 19/11/1997

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «بحثی پیرامون توقیف احتیاطی» سال ۵۱، شماره ۱۲. «لزوم جبران خسارت زندانیان بی‌گناه» سال ۵۲، شماره ۱۶- ۱۵. «پرداخت خسارت به بعضی از متضررین از جرم از طرف دولت، قانون ۱۱ مه ۱۹۷۶ جمهوری فدرال آلمان» سال ۵۶، شماره ۲۰. «اصل براءت و آثار آن در امور کیفری» سال ۷۲، شماره ۲۹. «نقش زیان دیده از جرم و تحول آن در دعاوی کیفری» سال ۷۴ شماره ۳۴. «اصلاح مقررات آیین دادرسی کیفری در چین» سال ۷۷، شماره ۴۲. «گزارش کل همایش بین‌المللی مواد مخدر تهران اردیبهشت ۱۳۷۹» سال ۷۹ شماره ۵۰. «نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس» سال ۸۱، شماره ۵۸.